بانکداری اسلامی با رویکرد قرض‌الحسنه و ثبات اقتصادی

غلامرضا مصطفی پور*
مسعود سلیمانی نایینی

* مدیر عامل بانک قرض الحسنه مهر ایران

چکیده

براساس مبانی اقتصاد سرمایه‌داری، نرخ بهره به‌عنوان قالبی برای ایجاد ارتباط میان صاحبان پس‌انداز (عرضه‌کنندگان وجوه) و سرمایه‌گذاران (متقاضیان وجوه) پذیرفته شده است. تولید نهایی سرمایه، دلالت بر تقاضا برای سرمایه‌گذاری دارد. در اقتصاد بدون بهره، سرمایه‌گذاری تا نقطه‌ای انجام می‌گیرد که تولید نهایی سرمایه مساوی با هزینه استفاده از سرمایه باشد. هزینه استفاده از سرمایه مساوی است با نرخ استهلاک سرمایه به‌همراه نرخ سود سرمایه که میان سرمایه‌داران و کارآفرینان تقسیم می‌شود. در این بین قیمت‌ها نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است، به‌طوری‌که افزایش آن از یک سمت باعث افزایش سودآوری تولیدکنندگان شده و باعث ایجاد انگیزه برای آنان می‌گردد، و از سوی دیگر منجر به کاهش خرید از سوی متقاضیان شده و باعث کاهش فروش آن و کاهش سودآوری می‌شود.

این درحالی است که وجود نوسان در محیط اقتصادی باعث ایجاد نااطمینانی در فعالیت سرمایه‌گذاری شده به‌طوری‌که این نااطمینانی از شرایط بازار باعث کاهش سرمایه‌گذاری و به تبع آن کاهش تولید می‌شود. از جمله این نوسان‌ها در عامل قیمت ظاهر می‌شود. نوسان‌های قیمتی عاملی است که منجر به تغییرات در سایر متغیرهای کلان شده و در تمام اقتصادها به‌عنوان متغیر با اهمیتی تلقی می‌شود. از نقطه نظر بانک مرکزی اروپا، ایجاد ثبات در قیمت‌ها منجر به ثبات در اقتصاد شده و بنابراین بررسی تأثیر این‌گونه نوسان‌ها روی سایر متغیرهای کلان حایز اهمیت است.

در این مقاله با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی (روش‌های خودرگرسیون برداری) به بررسی رابطه تجربی میان نرخ بهره (در نظام بانکداری متعارف) و نوسان‌های تورم می‌پردازیم و تأثیر بانکداری اسلامی با رویکرد قرض‌الحسنه در ثبات اقتصادی بررسی شده است. بدین منظور با استفاده از آمار سری زمانی مربوط به نرخ سود تسهیلات بانکی و نوسان‌های تورمی، از طریق روش اقتصادسنجی ناهمسانی واریانس [1] (ARCH) و ناهمسانی واریانس تعمیم یافته [2] (GARCH) به‌عنوان متغیر نوسان‌های تخمین زده می‌شود و سرانجام میزان تأثیرگذاری نوسان‌های تورمی روی عملکرد بانکداری اسلامی با رویکرد قرض‌الحسنه بررسی می‌شود.

کلمات‌کلیدی: نوسان‌های تورم، نرخ سود تسهیلات بانکی، بانکداری اسلامی با رویکرد قرض‌الحسنه، روش خودرگرسیون برداری

---

[1] ARCH: Auto Regressive Conditional Heteroskedasity
[2] GARCH: Generalized Auto Regressive Conditional Heteroskedasity

مقدمه

پیش از شکل‌گیری بانک‌های بدون ربا، مسلمانان پول‌های خود را به بانک‌های غیراسلامی نمی‌سپردند تا مجبور به دریافت ربا نشوند. آنان پول‌های خود را تبدیل به پول رایج خارجی، املاک، طلا و سنگ‌های قیمتی می‌کردند. بدین صورت، این ثروت‌ها از جریان سرمایه‌گذاری خارج می‌شد. با تأسیس بانک‌های اسلامی، مقدار زیادی از این ثروت‌ها دوباره وارد جریان سرمایه‌گذاری شد. ایدهٔ بانکداری و تأمین مالی اسلامی نخستین بار در دههٔ ۱۹۵۰ مطرح شد. لیکن آغاز بانکداری اسلامی به دههٔ ۶۰ میلادی برمی‌گردد. با این‌حال، برخی دههٔ ۷۰ را دههٔ آغاز مؤثر بانکداری اسلامی می‌دانند که در این‌صورت، حداقل ۵ دهه و حداکثر ۶ دهه از آغاز بانکداری اسلامی می‌گذرد.

طی سه دههٔ اخیر، تعداد مؤسسه‌های تأمین مالی اسلامی در سطح جهان، از یک مؤسسه، در سال ۱۹۷۵ به سیصد مؤسسه رسیده است. پاکستان در سال ۱۹۸۰ نخستین کشوری بود که نظام بانکداری اسلامی را برگزید. اینک دارایی بانک‌های اسلامی در سطح جهان ۲۵۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است. انتظار می‌رود که رشد دارایی‌های بانک‌های اسلامی سالانه پانزده درصد باشد.

بانک‌های اسلامی و مؤسسه‌های تأمین مالی اسلامی، ظرفیت جهانی زیادی برای گسترش دارند. این ظرفیت مرهون قابلیت‌های این نظام و همچنین مشکلات ساختاری تأمین مالی ربوی است. به اعتقاد، خان (۱۹۹۸) ناکارآمدی نظام اقتصاد سنتی (نظام مشتمل بر بهره) مسئله‌ای نیست که تنها در میان مکاتب اسلامی مطرح باشد؛ بلکه بسیاری از اقتصاددانان، مانند: فیشر (۱۹۴۵)، سیمونز (۱۹۴۸)، و فریدمن (۱۹۴۸)، بیان کرده‌اند که نظام بدهکاری یک‌طرفه و مشتمل بر بهره اساساً از ریشه ناپایدار است.

همچنین نوسان‌های اقتصادی باعث ایجاد نااطمینانی در فعالیت سرمایه‌گذاری شده، به‌طوری‌که این نااطمینانی از شرایط بازار باعث کاهش سرمایه گذاری و به‌تبع آن کاهش تولید می‌شود. از جمله این نوسان‌ها در عامل قیمت ظاهر می‌شود. نوسان‌های قیمتی عاملی است که منجر به تغییرات در سایر متغیرهای کلان شده و در همه اقتصادها به‌عنوان متغیر با اهمیتی تلقی می‌شود. از نقطه نظر بانک مرکزی اروپا، ایجاد ثبات در قیمت‌ها منجر به ثبات در اقتصاد شده و بنابراین بررسی تأثیر این‌گونه نوسان‌ها روی سایر متغیرهای کلان حائز اهمیت است.

۱- مروری بر مطالعات انجام‌شده

صادقی و نادری کزج در سال ۱۳۸۳، در مقاله‌ای با عنوان "بررسی کارایی بانکداری بدون ربا در کشورهای مختلف و مقایسهٔ بانک‌های غیر ربوی با بانک‌های ربوی در جهان (با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها)"، به مقایسهٔ کارایی بانک‌های اسلامی با بانک‌های غیر اسلامی پرداختند. در این تحقیق، کارایی ۴۱ بانک اسلامی در سال ۲۰۰۰ و ۴۶ بانک اسلامی در سال ۲۰۰۱ با استفاده از دو الگوی بازدهی ثابت و متغیر نسبت به مقیاس بررسی شده و بانک‌های کاراتر مشخص شدند. همچنین، کارایی ۴۶ بانک غیر ربوی و ۶۴ بانک ربوی در جهان (در سال ۲۰۰۱) باروش بازدهی ثابت محاسبه شده و این بانک‌ها با یکدیگر مقایسه شدند. نتایج حاکی از آن است که کارایی بانک‌های غیر ربوی بحرین و قطر ـ و به طور کلّی، بانک‌های غیر ربوی که در شرایط رقابتی در کنار بانک‌های ربوی فعالیت می‌کنند ـ از بانک‌هایی که تحت نظام بانکداری غیر ربوی فعالیت می‌کنند، مانند ایران، سودان و پاکستان بیشتر است. در مجموع در سال ۲۰۰۱ کارایی بانک‌های غیر ربوی از بانک های ربوی کمتر بوده است.

عیوضلو و میسمی در سال ۱۳۸۷، در مقاله‌ای با عنوان "بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف"، به‌صورت نظری بر دو مورد از منافع اقتصادی که از به‌کارگیری قانون الهی دربارهٔ تحریم ربا انتظار می‌رود (یعنی ثبات و کارایی) تمرکز کردند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تأمین مالی اسلامی، نسبت به تأمین مالی متعارف، باثبات‌تر و کاراتر است و به علل گوناگون، رشد بیشتری را نیز نوید می‌دهد.

موسویان در سال ۱۳۸۸، در مقاله‌ای با عنوان "بانکداری اسلامی؛ ثبات بیشتر، کارایی بهتر"، به بررسی بازتاب استفاده از نظام بانکداری اسلامی به جای بانکداری متعارف پرداخته و اثر آن را بر متغیرهای پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، اشتغال، تولید، سطح عمومی قیمت‌ها، توزیع درآمد و رفاه عمومی بررسی کرده است. نتایج این بررسی بیانگر آن است که با جایگزینی بانکداری اسلامی، همهٔ متغیرهای اساسی، وضعیت بهتری خواهند داشت و نظام بانکی و اقتصادی ثبات بیشتری خواهد گرفت.

۲- ویژگی‌های بانک‌های اسلامی و رابطه آن با ثبات

در نظام اسلامی، مؤسسه‌های مالی براساس بخش واقعی حرکت می‌کنند؛ یعنی بخش واقعی پیشرو و بخش مالی دنباله‌روست.

مؤسسه‌های تأمین مالی اسلامی، علاوه بر آنکه به تأمین مالی فعالیت‌های تولیدی می‌پردازند، به موارد مصرف تسهیلات و اینکه در چه فعالیتی به‌کار گرفته می‌شود (کشاورزی، صنعتی، و خدماتی) نیز اهمیت می‌دهند. این ویژگی خاص بانکداری اسلامی، مانع بروز شوک و بی‌ثباتی می‌شود. این درحالی است که در نظام مبتنی بر بهره، به مصرف وجوه اهمیت زیادی داده نمی‌شود. در عوض، این نظام به وثیقه و توان بازپرداخت اقساط توسط گیرنده اهمیت زیادی می‌دهد. از سوی دیگر، ابزارهای نظارتی نیز می‌توانند برای بانک‌های اسلامی کارا باشند و مانع پیشی‌گرفتن بخش مالی از بخش واقعی شوند.

در نظام غیر ربوی و مشارکتی که براساس قرارداد بین عامل و صاحب سرمایه است، چون سود و زیان بین هر دو تقسیم می‌شود، توزیع درآمد متوازن است؛ یعنی براساس کار یا ترکیب کار و سرمایه بنا شده است.

هرچند این مسئله فقط در عقود مشارکتی صادق است، لیکن بانکداری اسلامی فقط ویژگی مشارکتی ندارد؛ بلکه عقود شرعی غیرمشارکتی که ماهیتشان با بانکداری موجود سازگارتر است، هزینه‌ها را کاهش و کارایی را افزایش خواهند داد.

در نظام سرمایه‌داری که نوعی نظام ربوی است، وام‌دهنده به‌دلیل دور بودن از اقتصاد واقعی و عدم مشارکت در سود و زیان ـ همیشه ـ در طرف برنده‌ها قرار دارد. در نتیجه، در بلندمدت، دارایی و درآمد به سمت او جمع می‌شود (یعنی سرمایه در جریان کار چه زیان ببیند یا سود کند، او مزد خود را می‌گیرد). نتیجه این تسلط سرمایه بر کار آن است که درآمدهای وام‌دهنده (صاحب سرمایه) و تولیدکننده از هم فاصله می‌گیرد و توازن نداشتن درآمدها، نظام طبقاتی را ایجاد می‌کند که از عوامل بی‌ثباتی اقتصاد است.

کرویتس می‌نویسد: در سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۸۷ به رغم کاهش نرخ بهره، درآمد بهره بانک‌ها افزایش یافت. در سال ۱۹۹۳ بانک‌ها با کسب ۴۳۱ میلیارد مارک، حدود نه برابر ۱۹۷۰ درآمد بهره داشتند، درحالی‌که در همین فاصله زمانی، تولید ناخالص ملی تنها ۴/۲ برابر شده است. در واقع خاصیت تقسیم ناعادلانه ثروت به وسیله بهره چنین است که در آغاز، همه به یک اندازه پول در اختیار دارند، لیکن در پایان بازی تنها یک نفر و یا یک عده کمی، پول زیادی در اختیار دارند؛ حال آنکه ممکن است عده‌ای هیچ پولی در اختیار نداشته باشند. ریشه اصلی این جابه‌جایی ناعادلانه، نظام بهره است.

۳- فرضیه تحقیق

با توجه به مسایل مطرح شده، رابطه میان نوسان‌های تورمی و نرخ سود تسهیلات بانکی بررسی می‌شود. با توجه به روش‌های تحقیق فرضیات زیر آزمون می‌شود.

رابطه بلندمدتی میان این دو متغیر وجود ندارد.

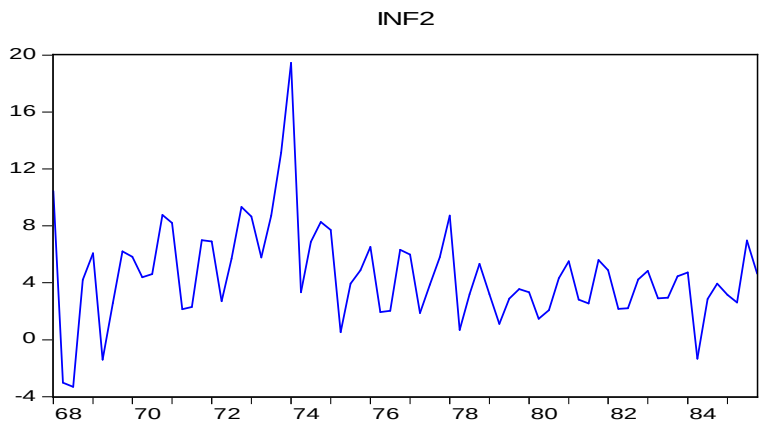
در صورت تأیید رابطه این رابطه دو طرفه است.

۴- روش‌شناسی و معرفی متغیرها

این تحقیق به بررسی رابطه میان نوسان‌های تورمی و نرخ سود تسهیلات بانکی می‌پردازد. به این منظور با استفاده از روش آزمون ریشه واحد، ابتدا به بررسی وجود ریشه واحد پرداخته سپس با استفاده از روش‌های ARCH و GARCH به محاسبه میزان نوسانات تورم و سرانجام با استفاده از روش تصحیح خطای برداری رابطه میان این دو متغیر را بررسی کرده است.

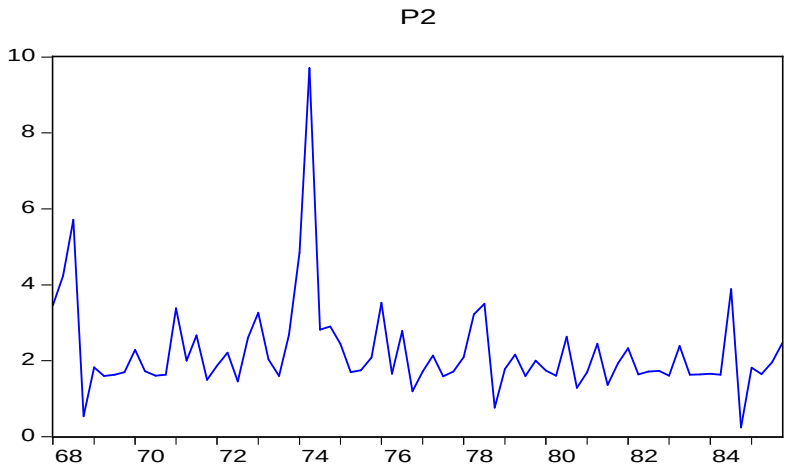
متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق داده‌های فصلی شاخص قیمت مصرف‌کننده است که پس از محاسبات مربوطه میزان تورم محاسبه و نوسان‌های آن به‌عنوان نماینده‌ای از نوسان‌های اقتصادی مشخص می‌شود. متغیر دیگر نرخ سود تسهیلات بانکی است که به‌صورت فصلی جمع‌آوری شده است، که نمودار شماره ۱ نشان‌دهنده آن است.

نمودار شماره ۱: تورم به‌صورت فصلی



همان‌طور که نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد تورم موجود دارای نوسان است. نحوه نوسان تورمی در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است.

نمودار شماره ۲: نوسان‌های تورمی



محاسبات مربوط به نوسان‌های تورمی نشان می‌دهد که میزان نوسان‌ها با GARCH(1,1) محاسبه شده است.

۵- آزمون ریشه واحد

به‌منظور بررسی وجود ریشه واحد میان دو متغیر از این آزمون استفاده می‌شود. بنابراین با استفاده از آزمون دیکی و فولر (۱۹۷۹) وجود مرتبه همبستگی بررسی شده است. در جدول شماره ۱ مرتبه انباشتگی دو متغیر با استفاده از آزمون ریشه واحد به‌دست آمده است.

جدول شماره ۱: نتایج آزمون ریشه واحد

متغیر	آماره t	احتمال	سطح معناداری	مرتبه انباشتگی
نوسانات تورمی	-۶/۴۸	۰/۰	۰/۰۱	۱
نرخ سود تسهیلات	-۲/۹۰	۰/۰۵	۰/۰۱	۱

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج این جدول نشان می‌دهد که این دو متغیر در بلندمدت دارای رابطه است. بنابراین محاسبه این رابطه و چگونگی تأثیر آن ضروری است. همچنین آمار مندرج در این جدول نشان می‌دهد هم نوسان‌های تورمی و هم نرخ سود تسهیلات بانکی در سطح دارای ریشه واحد بوده و بنابراین این مسئله با تفاضل‌گیری مرتفع می‌شود. جزییات مربوط به محاسبه ریشه واحد به شرح پیوست آورده شده است.

رابطه میان نوسان‌های تورمی و نرخ سود تسهیلات بانکی با استفاده از روش VECM

پس از اعمال آزمون ریشه واحد در هر متغیر و مشخص شدن وجود رابطه هم انباشتگی به محاسبه نحوه تأثیرگذاری این دو متغیر پرداخته می‌شود. بنابراین با استفاده از روش تصحیح خطای برداری، وجود این رابطه بررسی می‌شود. نتایج حاصل نشان می‌دهد که حداقل یک رابطه هم انباشتگی میان این دو متغیر وجود دارد. همان‌طورکه جدول شماره ۲ نشان می‌دهد آماره اثر وجود حداقل یک رابطه را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲: تحلیل وجود بردارهای هم انباشتگی

متغیر	فرضیه صفر و چاره	آماره اثر	حد بحرانی ۵ درصد	آماره حداکثر ریشه مشخصه	حد بحرانی ۵ درصد	طول وقفه	تعداد بردارهای حاصل از آماره اثر	تعداد بردارهای حاصل از آماره ریشه مشخصه
نوسان‌های تورم و نرخ سود تسهیلات	$r = 0$	۳۵/۴۱	۲۵/۸۷	۲۴/۹۳	۱۹/۳۸	۱	۱	۱
	$r \leq 1$	۱۰/۴۷	۱۲/۵۱	۱۰/۴۷	۱۲/۵۱			

مأخذ: محاسبات تحقیق

جزییات محاسبه به شرح پیوست آورده شده است.

جدول شماره ۳: نتایج حاصل از برآورد رابطه

متغیر	عامل تعادل	ضریب تشخیص تعدیل شده	ضریب تشخیص
سود تسهیلات بانکی و نوسانات تورمی	-۰/۶۳ (-۴/۶۴)	۰/۳۷	۰/۳۵

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که هرگونه شوکی از طرف نرخ سود تسهیلات بانکی روی نوسان‌های تورمی تأثیر دارد. به این ترتیب که افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی منجر به افزایش نوسان‌های تورمی و به‌تبع آن کاهش ثبات می‌شود. عدد داخل پرانتز نشان‌دهنده معناداری تأثیرگذاری عامل نرخ سود تسهیلات بانکی روی نوسان‌های تورمی است.

از این‌رو با توجه به محاسبات انجام گرفته در این زمینه، نقش بانکداری اسلامی (بانکداری بدون بهره) اهمیت دارد. بدین ترتیب که با کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی میزان نوسان‌های تورم کاهش می‌یابد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تأمین مالی اسلامی که در دهۀ ۷۰ میلادی پدیدار شد، اخیراً به ورای کشورهای اسلامی گسترش یافته است. اینک کشورهای عرب و غیرعرب مسلمان، به‌ویژه در آسیا، به‌طور فزاینده‌ای مجذوب مبادی و اصول تأمین مالی اسلامی شده‌اند. بانکداری اسلامی که در دهۀ ۸۰ میلادی بسیار محدود عمل می‌کرد و با مخالفت بسیاری از اقتصاددانان روبه‌رو شده بود، در اوایل دهۀ ۹۰ میلادی با شدت زیادی مطرح شد و طی دو دهه، توانست اعتماد مشتریانش را جلب کند و به رقابت با بانک‌های سنتی بپردازد. حتی این بانک‌ها مرزهای جهان اسلام را درنوردیدند و در کشورهای غیراسلامی نیز ظاهر شدند. امروزه، اقتصاددانان تأکید می‌کنند که بانک‌های اسلامی، به‌طور مستقیم، در رشد اقتصادی کشورهای غربی و جهان نقش ایفا می‌کنند. از سوی دیگر با کاهش نوسان‌های تورمی میزان توازن در توزیع درآمد افزایش یافته و بنابراین ثبات را افزایش می‌دهد.

بانک‌های اسلامی به‌دلیل ویژگی‌های خاصشان، اگر با نظام بانک‌های جهانی همسو شوند و ساختار کاملی داشته باشند، باعث تأمین ثبات مالی جهانی می‌شوند. اثری که بانک‌های اسلامی

در فرایند جهانی شدن دارند، شامل مدیریت مناسب در شرایط بحران، داشتن قدرت بازار و توان اثرگذاری بر قیمت‌ها، حرکت براساس بخش واقعی، و وجود نظام مشارکتی است.

الگوی پولی اسلام با حذف بهره، بازار سوداگری پول را نمی‌پذیرد و اثر این بازار بر رشد را غیرپایدار می‌داند و قائل به این است، هر الگویی که با بهره بخواهد به تعادل برسد، ریسک پذیر، نامطمئن و همراه با دور تجاری است.

با حذف بهره و مشارکت آن در سود هر افزایش عرضه پول و پرداخت اعتبارات بانکی جانشین نزدیکی با پس‌انداز بوده و هر دو نقش مکملی را در مسیر رشد و ثبات ایفاء می‌کنند.

حذف بهره شرایط پایداری برای رشد را در مقایسه با دخالت بهره و بازار پول پدید می‌آورد با حذف بهره، مسیر رشد بلندمدت با زمان کمتری حاصل می‌شود که این نتیجه آثار رفاهی زیادی برای مصرف و رفاه جامعه دارد.

توزیع مناسب درآمد یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام است و مکتب اسلام ریشه اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی را توزیع ناعادلانه درآمدها می‌داند. از این‌رو در این مکتب توجه ویژه‌ای به رفع این معضل اجتماعی، اقتصادی شده است. قرض‌الحسنه از جمله نهادهایی است که نظام اقتصادی اسلام توجه ویژه‌ای به آن داشته است و مسلمانان به‌صورت اختیاری و بدون توقع هیچ سودی، اقدام به انجام آن می‌کنند و می‌تواند نقش مؤثری در دستیابی به توزیع عادلانه داشته باشد.

در اسلام، مردم به دادن قرض‌الحسنه تشویق شده‌اند و بدین وسیله بین دنیا و آخرت آن‌ها پیوند ایجاد شده است. اجر اخروی این کار به‌عنوان یک انگیزه قوی در پرداخت قرض‌الحسنه نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. قرض‌الحسنه به‌عنوان یک امر مستحب مطرح است و چنانچه بیش‌تر رعایت شود از دامنه فقر کاسته شده و به توازن اقتصادی نزدیک‌تر می‌شویم.

در قرض‌الحسنه، ثروتمندان بخشی از درآمد قابل تصرف خود را جدا می‌کنند و در یک دوره زمانی معین به فقیران اختصاص می‌دهند. اگر این فعالیت استمرار یابد، می‌توان جریان مداوم ثروت از توانگران به نیازمندان را پیش‌بینی کرد. پس در هر مقطع زمانی، بخشی از درآمد ثروتمندان در اختیار نیازمندان قرار می‌گیرد؛ هر چند در مقطع بعد باید بازپرداخت شود. با چنین نگرشی می‌توان گفت: در قرض‌الحسنه، نوعی انتقال واقعی قدرت خرید به گروه‌های کم درآمد و خرج کردن آن در اقتصاد ملی وجود دارد. البته این روند زمانی در تحقق عدالت اجتماعی، آثار مثبت از خود بر جای می‌نهد که باید با کشش‌پذیری عرضه و قابلیت ظرفیت تولیدی آزاد، در زمینه کالاهای ضروری همراه باشد وگرنه با افزایش تقاضا برای این کالاها،

سطح قیمت‌ها فزونی می‌یابد و آثار توزیعی قرض خنثی می‌شود. با توجه به اهداف دولت اسلامی در زمینه عدالت اجتماعی، دولت موظف است چنین قابلیت‌هایی را پدید آورد.

براساس اصل پیگو و براساس قانون کاهنده بودن مطلوبیت نهایی درآمد، آخرین واحدهای درآمدی برای افراد پر درآمد از مطلوبیت کم‌تری برخوردار است. در مقابل، آخرین واحدهای درآمدی برای افراد کم درآمد از مطلوبیت بیش‌تری برخوردار است؛ بنابراین صاحبان درآمدهای بالا در جدا شدن بخش مزبور از درآمدشان و انتقال آن به گروه‌های پایین درآمدی، حساسیت چندانی نشان نمی‌دهند.

آنچه در قرض‌الحسنه اهمیت پیدا می‌کند، نقش بیش‌تر بخش خصوصی و اتکای کم‌تر به دولت در تأمین نیازمندان و ایجاد توازن اقتصادی است. در واقع نهاد قرض‌الحسنه را می‌توان جزو نهادهای خصوصی مشارکت مردم در تأمین اهداف اقتصادی دانست. در این نهاد، قرض‌گیرندگان کسانی هستند که اولاً: به پول یا سرمایه غیرنقدی یا کالا، نیازمندند و ثانیاً: قدرت بازپرداخت قرض خود را در آینده، دارند. بر خلاف صدقه گیرندگان که قدرت بازپرداخت را به هیچ وجه ندارند. قرض‌دهندگان نیز کسانی هستند که با مازاد درآمد روبه‌رو بوده و مایلند بدون انگیزه سود، منافع این فزونی را ایثار کنند. قرض‌دهندگان همچنین می‌توانند شامل کسانی باشند که از توان مالی لازم برای قرض دادن برخوردار نیستند و با ایجاد صندوق‌های تعاون قرض و همیاری، امکان قرض دادن را فراهم می‌آورند. بر این اساس این نهاد برای تحقق دو هدف اعتلای معنوی و عدالت اقتصادی، وضع شده است.

به قرض، تورم تعلق نمی‌گیرد و در قراردادهای مالی قرض در بانکداری اسلامی از هزینه‌های اداری وام و فعالیت‌های بانک چشم‌پوشی می‌شود. یعنی قرض‌گیرنده تنها موظف است، مبلغ اسمی قرض را که در ابتدای دوره دریافت کرده است، بازپرداخت کند. شخص یا مؤسسه مالی که وجوهی را برای مدتی به کسی قرض‌الحسنه می‌دهند در واقع از هزینه فرصت پول خود صرف نظر می‌کنند. گیرنده قرض که در واقع فرد نیازمندی است با خرید کالاها و خدمات مورد نیاز خود به هنگام دریافت قرض از مابه‌التفاوت قیمت کالاها و خدمات مزبور به دلیل رشد قیمت‌ها در دوره قرض برخوردار می‌شود؛ زیرا در صورت نبود قرض باید با پس‌انداز کردن پول خود در انتهای دوره اقدام به خرید کالای مزبور می‌کرد که به‌دلیل وجود پدیده رشد قیمت‌ها زیانمند می‌شد، لیکن اکنون به‌دلیل استفاده از منابع قرض‌الحسنه، سودی از محل رشد قیمت‌ها عاید وی شده است که در پایان دوره قرض، مجبور به بازپرداخت آن نمی‌باشد.

نکتهٔ آخر آنکه هرچند بانک‌های اسلامی هنوز با مشکلات ساختاری و مسائل دیگری که نیاز بـه بررسی دارند روبه‌رو هستند، لیکن اگر تغییرات لازمی را که منافاتی با مسـائل اسـلامی نداشـته باشد انجام دهند، به دلیل ویژگی‌های بالقوه‌ای که دارند، می‌توانند بر ثبات اثرگذار باشند.